



آیا نحس بودن برخی ایام واقعیت دارد+نظر علامه طباطبائی(ره)

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه علمیه قم، به مناسبت فرا رسیدن سیزدهم فروردین و برخی اعتقادات مبنی بر نحس بودن عدد 13، یادداشتی را درباره سعد و نحس ایام تهیه کرده و در اختیار خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس قرار داده است.

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه علمیه قم در یادداشتی، سعد و نحس برخی ایام را بررسی کرده است.

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه علمیه قم، به مناسبت فرا رسیدن سیزدهم فروردین و برخی اعتقادات مبنی بر نحس بودن عدد 13، یادداشتی را درباره سعد و نحس ایام تهیه کرده و در اختیار خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس قرار داده است.

سؤال: آیا قرآن کریم، سعد، و نحس بعضی از ایام را می‌پذیرد؟ چرا؟

پاسخ اجمالی

در آیات قرآن به صورت کلی وجود سعد و نحس ایام تأیید شده است و در روایات مفصله به آنها اشاره شده است.

علت آن چند امر می‌تواند باشد، 1. توجه به حوادث و رویدادهای گذشته، از تلخ و شیرین و درس عبرت گرفتن از آنها. 2. توجه و توسل به ساحت قدس الهی و استمداد از ذات پاک الهی نمودن برای دفع شرور ایام. 3. توجه دادن به این نکته که غالباً حوادث، جنبه کفاره اعمال نادرست خود انسان‌ها است و ایام تأثیر مستقل ندارد و با توجه و استغفار و کارهای نیک، ایام نحس را می‌توانند به روزهای مبارک تبدیل کنند.

پاسخ تفصیلی

پیشگفتار

1. سعد به معنای فراهم شدن امور و مقدمات الهی است، برای نیل و رسیدن به خیر (دنیوی و اخروی) (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، (دفتر نشر کتاب، چاپ دوم، 1404) ص 232)

در مقابل آن تفاوت و یا نحس قرار دارد، که نحس در لغت به معنای سرخ شدن افق است همچون مس گذاشته، و در اصطلاح به هر چیز شوم نحس گفته می‌شود (و یا فراهم نشدن مقدمات و امور کارها نحس تلقی می‌شود) (همان، ص 485)

2. در میان مردم معمول است که بعضی از روزها را روز سعد و مبارک، و بعضی را روز شوم و نحس می‌شمارند، هرچند در تعیین آن اختلاف بسیار است، سخن اینجاست که این اعتقاد عمومی تا چه حد در اسلام و قرآن پذیرفته شده؟ و یا رد شده است؟

برای روشن شدن پاسخ، جواب را در دو بخش تنظیم می‌کنیم. بخش اول سعد و نحس ایام از دیدگاه قرآن و روایات بررسی می‌شود.

الف: آیات قرآن

در آیات قرآن، در دو مورد اشاره به «نحوست ایام» شده است.

1. آنجا که می‌فرماید: «ما تندباد وحشتناک و سردی را «فی یوم نحسٍ مُّسْتَمِرٍّ در یک روز شوم مستمر بر آنها فرستادیم، که مردم را همچون تنه‌های نخل ریشه‌کن شده از جا بر می‌کند.» (سوره قمر، آیه 19-20)

2. در آیه‌ای که می‌فرماید: «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحِسَاتٍ» (سوره فصلت، آیه 16) مانند بادی سخت و سرد در روزها شومی بر آنها مسلط ساختیم»

و در نقطه مقابل، تعبیر «مبارک» نیز در بعضی از آیات قرآن دیده می‌شود، چنانکه درباره شب قدر می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» ما قرآن را در شبی پر برکت نازل کردیم.» (سوره دخان، آیه 3)

به این ترتیب قرآن جز اشاره سربسته‌ای به این مسئله ندارد، لذا می‌توان گفت تا اینجا اصل سعد و مبارک بودن بعضی ایام را و نحس بود بعضی را به صورت اجمال پذیرفته است.

دیدگاه مفسران:

1. علامه طباطبائی

مراد از نحس خلاف سعد است در نتیجه ایام نحسات یعنی روزهای شوم و روزهای که میمنت و شگون ندارد و احتمال هم داده است طبق قول بعضی‌ها که مراد از نحسات گرد و غباری باشد که انسان همدیگر را نبیند، (علامه سید محمد حسین طباطبائی، المیزان، فی تفسیر القرآن، (تهران، دارالکتب الاسلامیه، چهارم، 1362) ج 17، ص 401) در این صورت ربطی به نحس نخواهد داشت.

در ذیل آیه 19-20 قمر می‌فرمایند: (ر.ک: المیزان، (پیشین) ج 19، ص 79)؛ از نظر عقلی نمی‌توان دلیلی اقامه کرد که فلان زمان نحس است و فلان وقت سعد، چون اجزاء زمان هم مثل همدند، و ما هم که بر علل و اسباب مؤثره در حوادث احاطه علمی نداریم تا بگوئیم فلان قطعه از زمان نحس است و قطعه دیگر سعد، اما از نظر شرعی دو آیه در قرآن داریم (قبلاً اشاره شد) که ظاهر این آیات و سیاق آنها بیش از این دلالت ندارد و آن ایام خاص (هفت شبانه روز) که عذاب بر قوم ثمود ارسال شد، روزهای نحسی بوده‌اند، ولی دیگر نمی‌رساند که حتی همان روزها در هفته بعد، و در ماه بعد و... ایام نحس می‌باشند، چون اگر تمام آن ایام نحس باشند در تمام سال، لازمه‌اش این است که تمام زمان‌ها نحس باشند و همچنین ظاهر آیاتی که دلالت بر سعد بودن ایام دارد بخاطر مقارنت و همراهی آن ایام با امور بزرگ و افاضات الهی و کارهای معنوی است مثل امضاء تقدیر است، نزول ملائکه و روح، انجام عبادات... و اخبار هم نتیجه‌اش این است که نحس بودن ایام بخاطر کارهای زشتی است که در آن واقع شده است و سعد بودن ایام بخاطر کارهای نیک دینی و یا عرفی است، اما اینکه قطعه‌ای از زمان خاصیت تکوینی سعد و نحس داشته باشد قابل اثبات نیست اگر روایتی هم باشد، باید توجیه کرد. (همان، ص 79-83 با تلخیص)

2. تفسیر نمونه: از نظر عقل محال نیست که اجزاء زمان با یکدیگر تفاوت داشته باشند، بعضی دارای ویژگی‌های نحوست، و بعضی ویژگی‌های ضد آن هرچند عقلاً قابل اثبات نیست، ولی از نظر شرعی اگر دلیلی باشد قابل پذیرش است و مانعی برای آن نیست.

بعد روایات را مورد بررسی قرار می‌دهد، و بهترین راه جمع را میان اخبار مختلف در این باب این می‌داند که «؛اگر روزها هم تأثیری داشته باشند به فرمان خدا است، هرگز نباید برای آنها تأثیر مستقلی، قائلی شد و از لطف خداوند خود را بی‌نیاز دانست و انگهی نباید حوادثی را که غالباً جنبه کفاره اعمال نادرست انسان دارد به تأثیر ایام ارتباط داد، و خود را تبرئه کرد. (تفسیر نمونه، (پیشین) ج 23، ص 41 و 47 با تلخیص)

ب: روایات

در روایات اسلامی به احادیث زیادی در زمینه «؛نحس و سعد ایام» برخورد می‌کنیم که هرچند بسیاری از آنها روایات ضعیف می‌باشند. ولی در بین آنها روایات معتبری داریم که به برخی روایات اشاره می‌کنیم.

1. از امیرمؤمنان درباره روز «؛چهارشنبه» و فال بدی که به آن می‌زند و سنگینی آن، و این‌که منظور کدام چهارشنبه است، سؤال شد حضرت فرمود: فرمود چهارشنبه آخر ماه است که در محاق اتفاق افتد، و در همین روز «؛قابیل» برادرش «؛هابیل» را کشت... و خداوند در این روز چهارشنبه تندباد را بر قوم عاد فرستاد. (تفسیر نورالثقلین، ج 5، ص 183، حدیث 25، به نقل از تفسیر نمونه (پیشین) ج 23، ص 43)

لذا بسیاری از مفسران به پیروی از روایات، آخرین چهارشنبه هر ماه را روز نحس می‌دانند و از آن به «؛اربعاء لاتدور» تعبیر می‌کنند. یعنی چهارشنبه‌ای که تکرار نمی‌شود.

2. در بعضی دیگر از روایات می‌خوانیم که روز اول ماه روز سعد و مبارکی است چرا که آدم در آن آفریده شد، و همچنین روز 26 چرا که خداوند دریا را برای موسی شکافت. (تفسیر نورالثقلین، ص 105، حدیث 25، به نقل از تفسیر نمونه (پیشین) ج 23، ص 43، و ر.ک: محسن فیض کاشانی، تفسیر الصافی، (بیروت، لبنان، مؤسسة العلمی، للمطبوعات، چاپ دوم، 1402 هـ، 1982 م ج 5، ص 101-102)

3. امام صادق - علیه‌السلام - درباره نوروز فرمود: «؛روز مبارکی است که کشتی نوح بر جودی قرار گرفت و جبرئیل بر پیامبر

اسلام نازل شد، و روزی است که علی - علیه السلام - بر دوش پیامبر - صلی الله علیه و آله - رفت بت‌های کعبه را شکست، و داستان غدیر خم مصادف با نوروز بود. (بحارالانوار، (پیشین) ج 59، ص 92)

این تذکر را اضافه کنیم که افراط عده‌ای در مسأله سعد و نحس ایام به اندازه‌ای که به هر کاری که می‌خواهند دست بزنند به سراغ سعد و نحس ایام می‌روند درست نیست بلکه باید عوامل شکست‌ها و پیروزی‌ها را بررسی نمود، و از تجربیات گرانبهای دیگران باید استفاده کرد، نه این‌که گناه همه شکست‌ها را به گردن شومی ایام انداخت، و رمز پیروزی‌ها را در نیکی ایام جستجو نمود.

چرا سعد و نحس بعضی ایام پذیرفته شده است؟

علل این امر را چند چیز می‌توان دانست.

1. وجود وقایعی که در این ایام واقع شده است باعث سعد و یا نحس آن شده است، چنانکه در روایت دوم و سوم اشاره شد، و در بعضی روایات دیگر می‌خوانیم که روز سوم ماه روز نحسی است، چرا که آدم و حوا در آن روز از بهشت رانده شدند، و لباس بهشتی از تن آنها کنده شد. (تفسیر نورالثقلین، ج 5، ص 58، به نقل از تفسیر نمونه، (پیشین) ج 23، ص 43)

و یا اینکه روز هفتم ماه روز مبارکی است، چرا که حضرت نوح سوار بر کشتی شد (و از غرق شدن نجات یافت) (تفسیر نورالثقلین، ج 5، ص 61، به نقل از تفسیر نمونه، (پیشین) ج 23، ص 43)

2. توجه دادن مسلمین به حوادثی که در گذشته واقع شده است، تا رفتار و اعمال خود را بر حوادث تاریخی سازنده تطبیق دهند، و از حوادث مخرب و روش بنیان‌گذاران آنها فاصله گیرند. لذا در روایات فراوان سعد و نحس ایام را با بعضی از حوادث مطلوب یا نامطلوب پیوند می‌دهد، مخصوصاً در مورد روز عاشورا که بنی‌امیه به گمان پیروزی (ظاهری) بر اهل‌بیت آن روز مسعود و مبارکی می‌شمرده و در روایات شدیداً تبرک به آن روز نهی شده، و حتی دستور داده‌اند که آن روز را روز ذخیره آذوقه سال و مانند آن قرار ندهند بلکه کسب و کار را در آن روز تعطیل کرده، و عملاً از برنامه بنی‌امیه فاصله بگیرند. (ر.ک: تفسیر نمونه، (پیشین) ج 23، ص 44) پس توجه دادن اسلام به سعد و نحس ایام برای این است که به یک سلسله حوادث تاریخی آموزنده توجه شود.

3. توسل و توجه به ساحت قدس الهی، و استمداد از ذات پاک پروردگار. لذا در روایات متعددی توصیه شده که در روزهایی که نام نحس بر آن گذارده شده با دادن صدقه، و یا خواندن دعا و قرآن، و توکل بر ذات الهی و استمداد از لطف او خود را بیمه کنید، از جمله: یکی از دوستان امام حسن عسکری - علیه السلام - روز سه‌شنبه خدمتش رسید، امام فرمود: دیروز تو را ندیدم عرض کرد: دوشنبه بود، و من در این روز حرکت را ناخوش داشتم. فرمود: کسی که دوست دارد از شر روز دوشنبه در امن بماند، در اولین رکعت نماز صبح سوره 171# «هل اتی» بخواند سپس امام آیه از سوره 171# «هل اتی» را (که تناسب با رفع شر دارد) تلاوت فرمود (بحارالانوار، (پیشین) ج 56، ص 39، حدیث 7) 171# «خداوند نیکان را از شر روز رستاخیز نگاه می‌دارد او به آنها حَرَمی و طراوت ظاهر و خوشحالی درون عطا می‌کند.» (171# «فَوْقَهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ»، هل اتی، آیه 11)

4. توجه به این نکته که غالباً حوادث جنبه کفاره اعمال نادرست خود انسان است و ایام ارتباط و تأثیر مستقیم ندارد بلکه ایام را می‌توان با توبه، و استغفار به روزهای مبارک و سعد تبدیل نمود.

یکی از یاران امام دهم علی الهادی - علیه السلام - می‌گوید: خدمت حضرت رسیدم در حالی که در مسیر راه انگشتم مجروح شده بود. و سواری از کنارم گذشت و به شانه من صدمه زد، و در وسط جمعیت گرفتار شدم و لباسم را پاره کردند، گفتم: خدا مرا از شر توای روز حفظ کند، عجب روزی شومی هستی! امام فرمود: با ما ارتباط داری و چنین می‌گوئی؟ اگر روز را که گناهی ندارد گناهکار می‌شماری؟ آن مرد می‌گوید: از شنیدن این سخن به هوش آمدم و به خطای خود پی بردم، عرض کردم ای مولای من، استغفار می‌کنم و از خدا آمرزش می‌طلبم، حضرت افزود: روزها چه گناهی دارد که شما آنها را شوم می‌دانید در حالی که کیفر اعمال شما در این روزها دامناتان را گرفته است؟ شوم دانستن ایام برای تو فایده‌ای ندارد خداوند شما را مجازات می‌کند و به مذمت کردن چیزی که نکوهش ندارد، آیا نمی‌دانی که خداوند ثواب و عقاب می‌دهد، و جزای اعمال را در این سرا و سرای دیگر خواهد داد، سپس افزود، دیگر این عمل را تکرار مکن... (بحار، ج 56، ص 2، روایت 5 و 6)

نتیجه

نتیجه این شد که در اسلام، سعد و نحس بعضی ایام پذیرفته شده است بخاطر وقایعی که در آن اتفاق افتاده است، و به این وسیله مردم به وقایع گذشته توجه کنند و درس‌ها و عبرت‌ها از آن بگیرند، و برای دفع آن به خدا توسل جسته، و از او مدد جویند، و از مجازات و مکافات اعمال خویش غافل نباشند.

منابع جهت مطالعه بیشتر

1. ترجمه المیزان، علامه طباطبائی، ج 19، ذیل آیه 19 قمر.
2. ترجمه تفسیر صافی، ج دوم، ذیل آیه 19 قمر.
3. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ج 23-37-47 و ج 20، ص 240.